

# نگاهی به کتاب ترانه و ترانه سرایی در ایران

● مانا کریمی

■ محمد احمد پناهی

■ ناشر: سروش، ۵۷۲ صفحه، ۱۳۷۷

■ شومیز وزیری، ۱۹۰۰۰ ریال، ۳۰۰۰ نسخه

قالب کدام طرح به گردآوری پرداخته است. لذا چنین به نظر می‌رسد که پژوهشگر، با هدف تحلیل ویژگی‌های اجتماعی ترانه، این کار را انجام داده است. در این صورت، برای قضاوت در چارچوب فرضیاتی که خود را به صورت فصول مختلف کتاب آشکار کرده‌اند باید همان ضوابط روش شناختی را پی بگیرد. مثلاً برای آن که سیمای استبداد در ترانه‌های بومی بیان شود، تنها اشاره به چند مورد مؤید کافی نیست. باید به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ داد که چه حجمی از اشعار عامیانه در یک دوره بیان‌کننده استبداد بوده‌اند، تا چه حد این اشعار در خاطر جمعی مانده است؟ به نظر نمی‌رسد اشاره به چند مورد و سپس نتیجه‌گیری عام برای این قضاوت کافی باشد. لذا تحلیل‌های آن، از دقت کافی برخوردار نیستند. و اگر این پژوهش را در مقام مجموعه‌ای از اشعار عامیانه بدانیم، مجموعه‌ای جامع نیست، بلکه گزیده‌ای است از این گنجینه، و صدا البته که معیار گزینش آن نیز روشن است.

۳- اهمیت یک پژوهش به حد و حدود آن است. پژوهش با پرسش دقیق و در دامنه زمانی محدود انجام می‌گیرد. پژوهشی که داعیه فراگیری دوره‌ای طولانی دارد، طبیعتاً به هزینه دقت، بر حجم خود می‌افزاید. با توجه به این که حجم نسبتاً مهمی از اشعار به دوران قاجاریه اشاره دارد خوب بود، پژوهشگر تنها به همین دوره بسنده می‌کرد، و ویژگی‌های این ترانه‌ها را از منظری جامعه‌شناختی یا مردم‌شناختی تحلیل می‌کرد. اما دغدغه ارائه کاری فراگیر و وسیع، محقق را از این هدف باز داشته است.

۴- «عیب می‌جمله بگفتی، هنرش نیز بگویی». ارائه نمونه‌هایی محلی در این اثر، از نقاط قوت آن محسوب می‌شود. این امر، اجازه می‌دهد تصویری از ادبیات محلی این سرزمین در اختیار خواننده قرار گیرد. کتاب، اشعار و ترانه‌های جالبی را برگزیده است و کمتر خواننده‌ای است که از خواندن این اشعار، به ذوق نیاید و یا احساس کسالت کند. و این از حسن سلیقه پژوهشگر خبر می‌دهد.

می‌شود. با این حال درباره این نوع موسیقی، مضامین پنهان، و همچنین دریافت‌های اجتماعی فرهنگی گروه‌های اجتماعی، پژوهش چندانی صورت نگرفته است. کتاب «ترانه و ترانه‌سرایی در ایران» به گواهی عنوان و طرح روی جلد آن، شاید از نخستین کوشش‌های منظم در این زمینه باشد، و از این جهت تلاش پژوهشگر درخور تقدیر است. توجه به این موضوع، فارغ از محتوای کتاب، فی نفسه حائز اهمیت است و روشن است که در این وادی که کار و پژوهش چندانی صورت نگرفته است، کمبودها و نارسایی‌هایی به چشم می‌خورد و بحث در این باره بر غنای مطالعه فرهنگی موسیقی می‌افزاید.

درباره این کتاب چند نکته را مطرح می‌کنم:

۱- عنوان و طرح روی جلد این انتظار را به حق در مخاطب ایجاد می‌کند که کتاب به بحثی درباره ترانه، و ترانه‌سرایی و با تأکید بر جنبه موسیقایی آن، می‌پردازد. چنین به نظر می‌رسد که پژوهشگر با تعریف روشنی از ترانه کار خود را آغاز نکرده است. چه مرزی است میان اشعار عامیانه، فولکلور و ترانه‌ها و چه مرزی است میان اشعار عامیانه و ترانه‌های موسیقایی؟ به همین دلیل است که در این کتاب در حجم نسبتاً وسیعی به اشعاری توجه شده است که دست کم در خاطر تعدادی از افراد، تداعی «ترانه» نمی‌کند. مثل شعری که در صفحه ۵۸ آمده است. «اسبه عساری می‌کرد، خره، خراطی می‌کرد و آلی آخر». آیا این شعر را - صرف نظر از کیفیت و سطح آن - و تنها با اتکا به جنبه ترانه‌ای آن می‌توان با تصنیف‌های موسیقی مثل «عقرب زلف کجوت یا قیمر قرنیه...» مقایسه کرد؟ این دو شعر، از چه جهت با هم شباهت دارند؟ روشن نمودن تعریف ابتدایی موضوع پژوهش، باعث شده تا پژوهشگر به کار گردآوری مجموعه‌ای نسبتاً بزرگ بپردازد که وجه اشتراک آنها چندان در کار نمود ندارد.

۲- هدف اصلی از این پژوهش چیست؟ آیا پژوهشگر در صدد گردآوری مجموعه ادبیات عامه یا به تعبیر ایشان ترانه‌ها بوده یا آن که هدفی - تحلیلی - را مدنظر داشته است؟ این پرسش نیز از آن رو جدی است که الزامات این دو نوع کار متفاوت، رعایت نشده است. این پژوهش، گردآوری دست اول نیست، بیشتر اشعار از منابع موجود انتخاب شده است و در حقیقت، بر مجموعه‌هایی که از قبل تهیه شده چیزی نیفزوده است. و باز روشن است که اگر هدف این کار گردآوری است، باید جزئیات روش‌شناسی آن نیز معلوم شود. خواننده باید بداند که پژوهشگر، با چه روش، چه مفاهیم و در



شاید موسیقی از اندک هنرهایی است که دریچه خود را چندان بر مطالعات فرهنگی نگشوده است. این که موسیقی چه می‌گوید، شعر آن از کدام مضمون حکایت می‌کند، و سرانجام چه افراد یا گروه‌های اجتماعی آن را گوش می‌کنند، پرسش‌هایی است که از منظر رویکرد مطالعات فرهنگی بر این هنر نظر می‌اندازد. خاصه نوعی از موسیقی - که بر آن عنوان موسیقی پاپ (مختف Popular music) نهاده‌اند - شاخه‌ای مهم را در این مطالعات تشکیل داده است. موسیقی عامه پسند که در مقابل موسیقی نخبه پسند یا متالی (high music) قرار دارد، با زندگی روزمره مردم آمیخته است، و لحظه‌های گذرا، و احساسات عادی آنها را بیان می‌کند. نفوذ فراگیر این نوع موسیقی در میان اقشار گوناگون - فارغ از سن، جنس، و نظایر آن - یکی از زمینه‌های مناسب را برای شناخت تحولات اجتماعی فراروی می‌نهد.

موسیقی پاپ، در کنار موسیقی‌های عامه پسند دیگر - که گاه به اشعار فولکلور متکی است - چندین دهه است که در جامعه ایران حضور دارد و فرآورده‌های متعدد و متنوع آن از سوی مخاطبان مختلف، استفاده

